

درباره «سکوتیم تقدیم به شما»

آخرین رمان ماریوبارگاس یوسا که به تازگی به فارسی در آمده است **موسیقی ما را نجات می دهد؟**

رادمنش

معتبرترین نویسنده ادبیات معاصر اسپانیایی و شاید بزرگ ترین برنده نوبل زنده دنیا، با رمانی که در زادگاهش، پرو، روایت می شود، بار دیگر به عرصه ادبیات بازگشت. البته ماریو بارگاس یوسا، خودش، اعلام کرده است که «سکوتیم تقدیم به شما» آخرین رمان او خواهد بود.

این رمان، که به زبان اسپانیایی نوشته شده و مدت زیادی از انتشار آن نمی گذرد، حالا با ترجمه مجدالدین ارستجانی از زبان اصلی به فارسی در آمده که نشر «لیگا» آن را روانه بازار کرده است.

«سکوتیم تقدیم به شما» داستان مردی را روایت می کند که در رؤیای کشوری است که با موسیقی متحد شده است و برای نوشتن کتابی درباره آن دیوانه می شود.

یوسا درباره اهمیت موسیقی والس^(۱) در زندگی اش گفته است: «والس، که در کوچه های لیما متولد شده، پرو را یکپارچه کرد. در اینجا، این داستان را روایت می کنم و به واسطه آن از یک عشق پنهانی که تمام زندگی ام همراهم بوده قدردانی می کنم، عشقی که به موسیقی کریول^(۲) او به ویژه- به والس کشورم احساس می کنم.»



ناشر فارسی-که این کتاب را حاصل درهم آمیختن جادویی «داستان و جستار» دانسته- در بخشی از معرفی کتاب نوشته است: «تونی اسپیلکوئتا روزهایش را به کار در مدرسه و نیز عشق بزرگش، موسیقی پروپی، می گذراند که از جوانی در حال پژوهش درباره آن بوده است. یک روز، تماس تلفنی ای زندگی اش را تغییر می دهد؛ دعوتی برای شنیدن ساز گیتارنوازی ناشناخته، لئو مولفینو، که به نظر می رسد گواه اندیشه ای است که مدت هاست درگیر آن بوده؛ نیروی نهفته در موسیقی فراتر از لذت های فردی است؛ موسیقی می تواند انقلاب کند.»

«پنگوئن»، ناشر اصلی رمان، نیز در بخشی از معرفی خود از کتاب، که در سایشش آمده، نوشته است: «عشق عمیقی که تونی اسپیلکوئتا به والس ها، مارینراها^(۳)، پولکاهای هواپنوی^(۴) پرو دارد ریشه اجتماعی دارد. شاید آنچه اتفاق می افتد این است که موسیقی کریول، درواقع، نه تنها نمادی از هویت یک کشور است و بیانگر نگرش خاص پروپی به نام «هوچافریا» (به گفته تونی اسپیلکوئتا، ‘بزرگ ترین سهم پرو در فرهنگ جهانی’)، بلکه چیزی بسیار مهم تر است؛ عنصری که می تواند یک انقلاب اجتماعی را به وجود آورد، پیش داوری ها و موانع نژادی را از بین ببرد و کل کشور را در آغوش برادرانه و مختلط متحد کند. در کشوری که به شدت دچار تفرقه و ویرانی ناشی از خشونت های [سازمان تروریستی] ‘راه درخشان’ (Sendero Luminoso)’ است (این رمان در اوایل دهه نود و در اوج حملات تروریستی روایت می شود)، موسیقی می تواند به همه اعضای جامعه یادآوری کند که -فراتر از هر چیز دیگری- برادر و خواهر و هم وطن هستند؛ و ممکن است که گیتارنوازی مسجورکننده و استعداد بالای لئو مولفینو در این زمینه تأثیر زیادی داشته باشد. تونی اسپیلکوئتا تصمیم می گیرد که بیشتر درباره این گیتارپرست تحقیق کند، به زادگاه او سفر کند، با این شخصیت مرموز آشنا شود، از سرگذشت او و خانواده و علاقه مندی هایش بدانند، و بفهمد او چگونه به یک موسیقی دان برجسته تبدیل شده است. او، همچنین، مصمم است کتابی بنویسد که داستان موسیقی کریول را روایت کند و ایده ای را که با کشف این موسیقی دان فوق العاده در ذهنش شکل گرفته توسعه دهد.»

گفتنی است که ترجمه دیگری از این اثر، به فارسی سعید متین -که آن هم به صورت مستقیم از زبان اسپانیایی صورت گرفته- نیز قرار است در نشر «برج» منتشر شود.

بخشی از رمان

تونیو اسپیلکوئتا، وقتی فهمید هرگز استاد صاحب کرسی سن مارکوس نخواهد شد، به حدی خشمگین شد که چیزی نمانده بود برزند همه فیش ها و دفترچه هایی را که در چمدانش انبار کرده بود ریزریز کند، خوشبختانه، این کار را نکرد، اما کار رساله دکتری و سودای شغلی دانشگاهی را به کل کنار گذاشت. تنها مایه تسکینش رسیدن به مقام متخصص بزرگ موسیقی و رقص های عامیانه بود. با آن طورکه خودش می گفت- «روشنفکر پروتلاری» ی فولکلور، چرا تونیو اسپیلکوئتا این قدر راجع به موسیقی پروپی می دانست؟ در میان اجدادش، هیچ کس نه خواننده بود و نه گیتارنواز، رقصنده که هیچ، پدرش، مهاجری اهل دهکده ای در ایتالیا، کارمند راه آهن منطقه کوهستانی مرکزی بود، عمرش به سفر گذشت، و مادرش هم بانویی بود که از بس ناخوشی داشت کارش آموذشد به بیمارستان بود، در همان دوران کودکی اش مُرد. خاطره مادرش، بیشتر، از عکس هایی می آمد که پدرش از خاطراتشان نشانش داده بود. نه، در خانواده شان سابقه موسیقی نبود.

- نوعی رقص محلی.
- زبانی مرکب از زبان های گوناگون.
- رقص ملی پرو.
- سبک هایی از موسیقی محلی پرو.

«سکوتیم تقدیم به شما»، نوشته ماریو وارگاس یوسا. ترجمه مجدالدین ارستجانی. نشر لیگا. ۲۶۳ صفحه ۲۵ هزار تومان.

شکر

شاهرام NEWS.IR
۵شنبه
۱۳۹۲/۰۵/۲۴
۶ رجب الثانی ۱۴۱۴
۷ شنبه ۱۳۹۲

۱۰

فرهنگ و ادبیات

علی باقریان

کسی که خود را ندارد به پیش

دلش گردد از کرده خویش ریش^(۱)

هشیار^(۲)، ادب یانه خواند و را

همان خویش^(۳) بیگانه داند و را

از اویی به هر دو سرائی ارجمند

گسسته خرد^(۴) پای دارد به بند

خرد چشم جان است چون بنگری

که بی چشم شادان جهان نَشتری^(۵)

۱- ترخورد؛ بهره مند شود. ۲- ریش؛

ریش ریش، داغ دار. ۳- هشیار؛ خردمند،

هشیار. ۴- خویش؛ خویشاوند. ۵-

گسسته خرد؛ بی عقل ۶- نَشتری؛ نگذرانی،

طنی کنکی.

برای شنیدن این ابیات،

کد رهبرو را اسکن

کنید

ویژه بزرگداشت حافظ



اثری از زنده یاد صالحی مندوایی

«کارکرد» دارد و اثربخش است؛ و، به نظر حقیر، کتاب «حافظ، مصلح اجتماعی» جزو همین کتاب هاست، کتابی که، حتی اگر فرصت نکنیم آن را بخوانیم، این گزاره استوار را در جان و ضمیر ما می نشاند که «حافظ مصلح اجتماعی بود، هست و خواهد ماند». اجازه دهید این نوشتار را با یادآوری عنوان چند کتاب که نام های خود بسنده ای دارند تمام کنم؛ «پرسیدن مهم تر از پاسخ دادن است» (ریموند مارتین و دنیل کلاک)، «داشتن یا بودن» (اریک فروم)، «انقلاب یا اصلاح» (گفت وگو با مارکوزه و پوپر)، «مالیه روح مشروطه است» (میکائیل عظیمی)، «فراسوی نیک و بد» (نینچه)، «نگرش همه چیز است» (جف کِلر).

«حافظ، مصلح اجتماعی»، نوشته فروزان خزانئ، نشر زرف، ۱۳۹۹ (چاپ دوم)، ۲۳۲ صفحه، ۹۵ هزار تومان.

و پاکیزه گویی؛ «حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه/هر که را نیست ادب لایق صحبت بُنُود» (ص ۲۴۷)، «دعوت به امید و امیدوارزیستن؛ «شده ام خراب و بدنام و هنوز امیدوارم/ که به همت عزیزان برسم به نیک نامی» (ص ۲۱۱)، و، بالاخره، (۸) شادزیستی، خوش باشی و اغتنام فرصت؛ «اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد/ من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم» (ص ۲۲۵).

و، در پایان، نکته ای پیرامون عنوان درخشان کتاب، سال ها پیش، یکی از دوستان اهل کتاب می گفتند که عنوان بعضی کتاب ها آن قدر دل نشین و ماندگار است که، حتی اگر فرصت خواندن آن کتاب دست ندهد یا گذر روزگار گرد فراموشی بر محتوای آن کتاب بیاشد یا به هر دلیل دیگری- چیزی جز «نام» آن کتاب در خاطر انسان باقی نماند، بازهم آن نام و عنوان

اصحاب قدرت با دو مصداق روشن (الف) فقدان عدالت و (ب) غرور و نخوت شاهان، (۲) احتطاط اخلاقی جامعه و خلط ارزش ها (یا، به بیان دیگر، تبدیل ارزش به ضد ارزش و بالعکس)، (۳) جرمان و انزوا ی اهل هنر و اندیشه، و (۴) غلبه ریا و تزویر و ترویج دین فروشی، به ویژه نزد سه گروه زاهدان و واعظان، خانقاهیان و صوفیان ناصاف، و -بالاخره- شاهان- حاکمان وزورمندان نویسنده، پس از تشریح این چهار مورد و آوردن شواهد شعری فراوان از دیوان حافظ برای توصیف و تبیین این دردهای اجتماعی، در فصل سوم و پایانی کتاب با عنوان «توصیه ها و رهنمودها»، به سراغ درمان های پیشنهادی حافظ برای چیرگی بر این مشکلات می رود.

در ادامه، ضمن نقل این توصیه ها، به آوردن تنها یک شاهد شعری از دیوان خواجه شیراز، به همراه شماره صفحه ای که آن شاهد را آورده است، بسنده می کنیم، (۱۱) آزادگی و مناعت طبع، «زیر بایراند درختان که تعلق دارند/ ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد» (ص ۱۷۰)، که عجیب یادآور این بیت از سعدی است: «به سرو گفت کسی میوه ای نمی آری؟/ جواب داد که آزادگان تهی دست اند» (۲) تشویق به استقامت و پشتکار؛ الف- داشتن درایت، دانسته رفتن، و گزیدن راهنما و دلیل راه؛ «به کوی عشق مَنه بی دلیل راه قدم / که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد» (ص ۱۷۹)، ب- تحمل، صبر و شکیبایی؛ «حافظ صبور باش که در راه عاشقی/ آن کس که جان نداد به جانان نمی رسد» (ص ۱۸۲)، ج- اجتناب از شکوه و شکایت؛ «مکن ز غصه شکایت که در طریق طلب/ به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید» (ص ۱۸۳)، (۳) تأکید بر تساهل، مدارا و صلح طلبی؛ «فکر خود و رای خود در عالم رندی نیست/ کفر است در این مذهب خودبینی و خودرایی» (ص ۱۸۵)، الف- آشتی جویی و صلح طلبی و مخالفت با مردم آزاری و جنگ؛ «مباش درپی آزار و هرچه خواهی کن/ که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست» (ص ۱۸۸)، «یک حرف صوفیانه بگویم؟ اجازت است؟/ ای نور دیده صلح به از جنگ وداوری» (ص ۱۸۹)، ب-

عیب پوشی و رازداری؛ «به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات/ بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن» (ص ۱۹۱)؛ (۴) توصیه حافظ به دستگیری از تهی دستان و حمایت از آنان؛ «ثواب باشد ای دارای خرمن/ اگر رحمی کنی بر خوشه چینی» (ص ۱۹۶)؛ (۵) توصیه به وفاداری و عهدمداری؛ «وفای عهد نکو باشد از بیاموزی/ و گرنه هر که تو بینی ستمگری داند» (ص ۲۰۱)، (۶) تأکید بر ادب



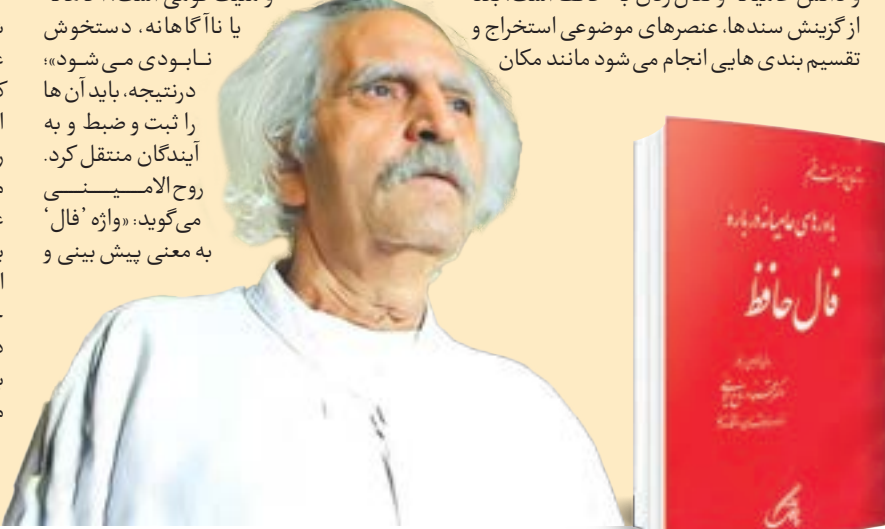
«به ناامیدی از این در مرو، بز ن فالی»

درباره پژوهشی مردم شناختی درباره «فال حافظ»

انجوی شیرازی سامان یافته بود. او در آن زمان تصمیم می گیرد که رسم و باور فال خوانی دیوان حافظ را در پرونده های آن مرکز مطالعه کند. آنجا، اطلاعات «شیوه برگزاری یک رسم، یک باور و یک جشن به وسیله رادیو، تلویزیون و مکاتبه [مرد می]» جمع آوری می شد؛ درنتیجه، روش تحقیق کتاب هم مشاهده، مصاحبه و مکاتبه است. او، در میان پرونده های مربوط به حافظ، پی باورهای عامیانه درباره رسم فال خوانی را می گیرد که در گزارش های مربوط به چهارشنبه سوری، چهارشنبه آخر ماه صفر، نوروز، شب یلدا، سیزده به در، جمع های خانوادگی و... آمده است. روح الامینی این گزارش های مردمی را «بی شائبه و خالی از تکلف» می داند. اما بر این باور است که جامعه آماری کتابش همچنان ناقص است. بخش اول کتاب «به شاخ نباتات قسم» تحلیلی -به قول روح الامینی، شتاب زده- درباره فرهنگ و دانش عامیانه و تقال زدن به حافظ است. بعد از گزینش سندها، عنصرهای موضوعی استخراج و تقسیم بندی هایی انجام می شود مانند مکان

حرف حساب کتاب چیست؟ روح الامینی و گروهش در این کتاب می گویند فرهنگ عامیانه فال حافظ را شرح دهند. او اهمیت موضوع را در این می داند که بارشد فناوری و تحولات اجتماعی «مقدار زیادی از سنت ها، رسم ها و باورهای کهن که پشتوانه ای برای هویت و ملیت قومی است، آگاهانه یا نا آگاهانه، دستخوش نابودی می شود»؛

درنتیجه، باید آن ها را ثبت و ضبط و به آیندگان منتقل کرد. روح الامینی می گوید: «واژه ‘فال’ به معنی پیش بینی و



طرف حساب کتاب چیست؟

روح الامینی ابتدا درباره آشنایی اش با مرکز «فرهنگ مردم» می گوید، مرکزی که برنامه های آموزشی و پژوهشی اش به کوشش ابوالقاسم

هادی دقیق| تاریخ پژوه

این عبارت برای خیلی از ما آشناست،

«فال حافظ شیرازی با تفسیر کامل».

قدیم ها که هنوز اینترنت نبود، تقریباً همه کتاب فروشی ها چند نسخه گوناگون از دیوان حافظ داشتند که

زیر عنوان آن و بین کل وبوته های روی جلدش، با خطی ریز، چیزی نوشته بود به این مضمون: همراه با معنی یا تفسیر کامل. بعد، کتاب را که با می کردی، زیر هر غزل شرح و تفسیری بود درباره سرانجام بیت فال. حالا اما داستان کمی عوض شده و کلی وبگاه و حتی نرم افزار در فضای اینترنت موجودند که با یک کلیک پرایمان فال می گیرند و خودشان هم تفسیر می کنند. اینجا، مهم نیست باور قدیمی تقال زدن به حافظ از کجا آمده و این قدر گسترده شده که در سراسر ایران مرسوم است. آنچه مهم است فرهنگی است که پشت این تقال زدن ریشه کرده است.

تاکنون، کتاب ها و مقاله ها و آثار زیادی درباره فال حافظ، پدید آمده است. یکی از آثار پژوهشی در این زمینه زیرنظر محمود روح الامینی، مردم شناس سرشناس ایرانی، نوشته شده است. روح الامینی زاده مهر ۱۳۴۷ در کوهبنان بود و اسفند ۱۳۸۹ در تهران درگذشت. از او آثار زیادی در حوزه مردم شناسی به جا مانده است. کتاب «به شاخ نباتات قسم: باورهای عامیانه درباره فال حافظ، سال ۱۳۶۹ در انتشارات «پازنگ» منتشر شد.

مرو